

مطالعه مقایسه‌ای توجه به بعد نهادی- مدیریتی در روستاها طی دو دهه‌ی اخیر (مورد شهرستان قائمشهر)

فاطمه تقوی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

نصرالله مولایی هاشجین^۱

استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

یوسف زین‌العابدین عموقین

دانشیار جغرافیا سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۱۹

چکیده

مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازماندهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمانها و نهادها است. مدیریت روستایی از سالیان متمادی در برنامه‌های عمرانی کشور وجود داشته و با اینکه در هر مقطعی از فعالیت خود با اسمی خوانده شده ولی مدیریت خود را در روستاهای ایران اعمال کرده است. کدخدای، دهبان، همیار، دهیار و... گونه‌های مدیریت روستایی در ایران بوده است. اثرات توجه به بعد نهادی- مدیریتی در برنامه‌های توسعه در بعداز پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشته اما با برچیده شدن نظامهای پیشین، روستاهای ایران تا سالیان اخیر از یک نظام مدیریتی ثابت برخوردار نبوده و عدم مدیریت واحد روستایی باعث مشکلات و معضلات عدیده‌ای در سطح روستاها شده بود تا اینکه در سالهای اخیر قانون تشکیل دهیاری‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و پس از عملی شدن این قانون از ابتدای دهه هشتاد مدیریت روستاها به دهیاری‌ها واگذار گردید. یکی از کارکردهای مهم دهیاری‌ها نقش آنها در برنامه‌ریزی توسعه روستایی براساس خواست و نیازهای مردم روستا می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری داده‌ها و اطلاعات از طریق روش‌های اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی - پشمایشی به بررسی مقایسه‌ای توجه به بعد نهادی- مدیریتی در روستاهای شهرستان قائمشهر طی دو دهه‌ی اخیر پرداخته شده است. به منظور بررسی و رسیدن به اهداف تحقیق دو نوع پرسشنامه اختصاصی روستا (مدیران و کارشناسان روستایی) و پرسشنامه‌ی عمومی روستا تهیه و تکمیل گردید که نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که برنامه‌های دولت طی دو دهه‌ی اخیر در برنامه پنجم در مقایسه با سایر برنامه‌های بعد از انقلاب، بیشتر به بعد نهادی- مدیریتی توجه داشته و در همین راستا مدیران محلی نیز مشکلات روستائیان را پیگیری نموده و در مجموع فعالیتهای دهیاران، منجر به توسعه روستایی در سطح روستاهای محدوده مورد مطالعه شده است.

واژگان کلیدی: روستا، برنامه، توسعه روستایی، مدیریت روستایی، دهیاری.

مقدمه

این واقعیتی است که بیشتر فقرا و یقیناً فقیرترین آنها در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. افرادی منزوی، پراکنده، فاقد دسترسی به خدمات اجتماعی و سایر خدماتی که باید قابل دسترسی باشند. بدین ترتیب از خصیصه‌های مهم فقر «روستایی» بودن آن است. به‌طور تقریب ۷۰ درصد فقرا در نواحی روستایی زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود که نسبت فقرای روستایی در جهان تا قبل از سال ۲۰۳۵ به کمتر از ۵۰ درصد نخواهد رسید

(Summer Jennifer, 2001: 1-3). در این راستا، فرآیند توسعه از موضوعات مهم مورد بحث، بویژه کشورهای درحال توسعه است. تحقق توسعه نیز مستلزم بهره‌گیری از استعداد، توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنها در مراحل توسعه است (۲۰۱۲، Hashemy and et al, 1-3): خط مشی توسعه روستایی را می‌توان بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستائیان دانست که نیازمند مدیریتی کارآمد است

(Mahdavy and et al, 2006:23) اهمیت حوزه‌ی مدیریت در جوامع مختلف از آن روست که امکانات و منابع موجود محدود است و برای استفاده‌ی درست و بهینه از این امکانات در پاسخگویی به نیازهای نامحدود، داشتن نظام مدیریتی کارآمد لازم و ضروری است (Rezaeian, 2005:7). در ایران مدیریت روستایی تحولات گوناگونی را پشت سرگذاشته است. در معیارهای مدیریت سنتی روستایی ایران، مدیریت متمرکز و ناهمگون با نظارت ضعیف و غیر رقابتی نمایان بوده و در مدیریت نوین روستایی ضابطه و آموزش، نظارت مستمر، برنامه‌ریزی هدفمند و راهکارهای شفاف چشمگیرتر است. بدون شک فضای کالبدی و فیزیکی روستا و محیط طبیعی اطراف آن شکل اولیه فضای زیست انسانی جوامع روستایی را شکل می‌دهد (Karimynasab, 2013:28) و اساس پیشرفت جوامع در همه دورانهای تاریخی زندگی انسانی، رشد همین جوامع روستایی بوده است که در طول تاریخ همواره به نوعی با مدیریت نسبتاً سازمان یافته و کارکرد مؤثر همراه بوده است. در ایران، خاستگاه اولیه مدیریت روستایی نوین را می‌توان از سال ۱۳۷۷ به بعد دانست. بطوری‌که اگرچه شورای اسلامی روستا پس از انقلاب اسلامی در روستاها به فعالیت پرداخت، اما از این سال به بعد با اجرای قانون اساسی کشور، مدیریت روستایی و شورای اسلامی روستایی و سپس نهاد مدیریتی دهیارها شکل گرفت و عملاً روستاهای کشور از این نهاد مدیریتی برخوردار شدند. تشکیل دهیارها و شکل‌گیری مدیریت اجرایی در سطح روستاها، زمینه مناسبی را برای اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها در نواحی روستایی، و بویژه طرح‌های هادی روستایی و موفقیت اجرای آنها فراهم ساخته است. در گذشته فقدان مدیریت واحد و یکپارچه، مشکلات بسیاری را در فرایند تهیه و اجرای طرحهای روستایی مانند؛ طرح بهسازی و هادی روستایی فراهم می‌کرد و این مسئله در عدم توفیق نسبی این طرحها مؤثر بود. ولی با ایجاد دهیاری در روستاها، همانند شهرداری‌ها این نهاد مسئول اجرای برنامه‌ها و طرحها در روستاهاست، امری که می‌تواند با مشارکت مردم و دیگر دستگاه‌های اجرایی، به شکل مطلوبی به اجرا در بیاید (Rezvani, 2005:230).

ایران با داشتن بیش از ۶۵۰۰۰ آبادی که نزدیک به ۸۵ درصد از منابع و ذخایر زیستی و طبیعی کشور را در خود جای داده‌اند، در زمره کشورهای است که برای دستیابی به توسعه روستایی و به دنبال آن توسعه شهری و توسعه ملی نیازمند ایجاد سیستم مدیریتی نظام‌مند و قوی در روستاهاست. به همین دلیل از گذشته‌های دور تاکنون نظامهای مدیریتی گوناگون و متنوعی در گستره‌ی روستاهای کشور اجرا شده است. نظام مدیریت روستایی ایران در سالیان

گذشته از نظر ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته و خلأ مدیریت کارآمد و صحیح در روستاها در تمامی دوره‌ها به ویژه از دهه‌ی ۱۳۴۰ به این سو و حتی در دهه‌های اخیر، مشکلات عدیده‌ای را برای روستاییان ایجاد کرده است. اگرچه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تشکیلاتی نظیر؛ شورای اسلامی روستا، خانه‌ی همیار، دفتر عمران روستایی و مانند این‌ها در روستاها شکل گرفتند، ولی به دلیل نداشتن زمینه‌های لازم و سازمانهای اجرایی مرتبط توفیق چندانی به دست نیاورده‌اند (Imani Jajrami and et al, 2011:67).

روش تحقیق حاضر، از لحاظ هدف؛ کاربردی، از لحاظ ماهیت و روش‌شناسی و با توجه به روش گردآوری اطلاعات؛ پیمایشی و از نوع تحقیقات اکتشافی- توصیفی و در عین حال، تحلیلی است. در تحقیق حاضر، ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی به منظور جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و اطلاعات تحقیق استفاده شده است. در این پژوهش، برای تبیین و توجیه دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت برنامه‌های توسعه و نقش آن در توسعه روستایی، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی است. این تکیه‌گاه در مرحله نخست، از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره‌ی، توسعه روستایی و موانع بر سر راه آن، فراهم شود. بر این اساس، جهت آزمون گزاره‌های نقش برنامه‌های توسعه در توسعه روستایی با رویکرد نهادی- مدیریتی در شهرستان از روش تحقیق گذشته‌نگر استفاده می‌شود تا از طریق این شیوه تفاوت‌های عدم توسعه یافتگی را در زمینه نهادی- مدیریتی شناسایی شود. این بدان معناست که میزان تغییرات صورت گرفته در سطح کلان و نوع نگاه به توسعه روستایی در زمینه نهادی- مدیریتی طی دوره‌های مختلف به چه صورت بوده است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. تمرکز اصلی پژوهش در بخش مطالعه میدانی بر پرسشنامه است و در آن از دو نوع پرسشنامه‌ی اختصاصی روستا (مدیران، کارشناسان و مطلعین روستا) و پرسشنامه‌ی عمومی روستا استفاده شده است. شاخص‌ها و مؤلفه‌های پژوهش در بعد نهادی- مدیریتی شامل: مدیریت روستایی، مشارکت مردمی، ارتقاء سطح رفاه روستاییان و تخصیص اعتبارات در جهت محرومیت زدایی مورد سنجش قرار گرفته است. در پژوهش حاضر سطح تحلیل، شهرستان قائمشهر و روستاهای بخش مرکزی و واحد تحلیل، مدیران، کارشناسان و مطلعین روستا در شهرستان است. جامعه نمونه، با توجه اینکه پرسشنامه را در اختیار ارگانها و دستگاه‌های مربوط به توسعه روستایی و روستا اعم از کارشناسان محلی، متخصصین ادارات و سازمانهای ذیربط، مدیران بخشی، نظارتی و اجرایی، مطلعین روستا و نخبگان روستایی قرار داده‌تا با استفاده از اطلاعات آنها، بدرستی متغیرها و شاخص‌های مربوط به تحقیق حاضر مورد سنجش قرار گیرند که تعداد آنها ۹۰ می‌باشد که بر اساس اینکه تعداد روستاهایی که شورا یا دهیار دارند از کل روستاهای شهرستان قائمشهر ۹۰ روستا می‌باشد. همچنین، به‌منظور تعیین حجم نمونه پاسخ‌دهنده به پرسشنامه از فرمول کوکران استفاده شد. به این ترتیب حجم نمونه ۷۵ نفر می‌باشد.

داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه‌ها پس از کدگذاری، به نرم‌افزار آماری SPSS انتقال داده شده و سپس تجزیه و تحلیل گردید. برای آزمون فرضیه نیز از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است.

مطالعات انجام شده در رابطه با این موضوع نشان می‌دهد که شیوه نوین مدیریت روستایی در ایران را باید یک گام بسیار مثبت و مؤثر در راستای عمران و آبادی روستاها تلقی نمود. حال با گذشت حدود ۱۵ سال از تأسیس نهاد مدیریتی دهیاری در سکونتگاه‌های روستایی، ارزیابی عملکرد این نهاد به نظر ضروری می‌نماید. با ذکر این که

امروزه دهیاری‌ها می‌توانند به عنوان بازوی اجرایی در روستاها در زمینه عمرانی و خدماتی، نقش کلیدی را ایفا نمایند و نظر به اینکه بحث مدیریت روستایی همواره یکی از مباحث مهم و اساسی در زمینه توسعه روستایی بوده و جوامع روستایی تغییرات و تحولات گوناگونی در این زمینه به خود دیده است، هدف اصلی این پژوهش شناخت مهمترین مسائل مبتلا به جامعه هدف با توجه به سیاست‌های دولت در توسعه روستایی با رویکرد نهادی-مدیریتی از منظر مردم، کارشناسان و مسئولین محلی و پی‌ریزی اصول و مبانی الگوی طرح‌ریزی سیاستهای توسعه در بخش نهادی-مدیریتی مناسب با شرایط روستاها می‌باشد. در این تحقیق، سعی بر این است که بررسی مقایسه‌ای بعد نهادی-مدیریتی در روستاها طی دو دهه‌ی اخیر در روستاهای شهرستان قائمشهر مورد مطالعه قرار گیرد. باتوجه به مطالب ذکر شده سؤال و فرضیه تحقیق عبارت است از:

• تا چه اندازه در برنامه پنجم توسعه، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی در مقایسه با سایر برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گرفته است؟

• به نظر می‌رسد که در برنامه پنجم توسعه، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی در مقایسه با سایر برنامه‌های توسعه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

ام پریز (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان نمایندگی و مشارکت مدنی در برنامه‌های توسعه روستایی در گالیسیا اسپانیا به تحلیل میزان مشارکت کنندگان در سازمانهای اجتماعی پرداخته و چگونگی همکاری در این برنامه‌ها را در توسعه پویایی و قابلیت‌های محلی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. نتایج، دشواری‌های ورود و فعالیت مؤثر افراد را برجسته می‌سازد. حتی در حوزه‌هایی که شبکه‌های اجتماعی چشمگیری وجود دارد، نبود فرهنگ مشارکت در میان سازمان‌های اجتماعی و دولتی مانع توسعه و موفقیت برنامه‌ها شده است.

طالب و میرزایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی نقش مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی بیان نموده‌اند که برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از توانایی‌های روستائیان، می‌تواند بستر مناسبی را برای موفقیت طرح‌های تجمیع فراهم کند و در ادامه به استفاده از نظریه مشارکت و به کارگیری نگرشی جامع کل نگر برای تبیین مشارکت مردم، توجه به راهبرد مشارکت در توسعه روستایی و نظریه‌های مربوط به توسعه روستایی مشارکتی تأکید می‌کنند. حسن افراخته (۱۳۸۸)، در کتاب مدیریت روستایی با تأکید بر ایران در مورد مدیریت روستایی به دو روستای گسکره و ماکلوان از حوزه شهرستان فومن می‌پردازد. مطالعات نشان می‌دهد که تا قبل از اصلاحات ارضی گسکره در قلمرو خرده مالکی بوده و ماکلوان در مالکیت مالکی که در شهر رشت زندگی می‌کرده است و از طریق مباشر خود رعایا را مدیریت می‌نمود. مردم روستاهای موردنظر به عنوان رعیت ارباب زندگی پرمشقتی را تجربه کرده و در فقر و فلاکت زندگی می‌کردند و مدت‌ها فاقد هرگونه امکانات بودند. در آخر می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت مالک ضد توسعه و عدم آن عامل پیشرفت و خلاقیت مردمی بوده و جامعه روستایی را به سوی توسعه رهنمون می‌کند.

پالا بیک و یواوس (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای با عنوان اصلاحات قانون گذاری در حکومت‌های محلی همچنان در حال انجام: دورنمای مشارکتی در قانون شهرداری‌ها در مورد اصلاحات محلی در ترکیه انجام شد. بیشتر بر پایه ارزیابی حکومت‌های محلی می‌باشد و سعی شده است نگاهی اجمالی به سیستم دولتهای منطقه‌ای در ترکیه را فراهم کنند و

وصف آنها این بود که سیستم حکومت محلی ترکیه تغییرات بسیار زیادی را از زمان تشکیل شدن آن یعنی اواسط قرن ۱۹ متحمل شده است اما قبل از تشکیل سیستم‌های حکومتی محلی، خدمات توسط اهل محل و صنف، تجار و مالکان و ساختاری که به عنوان رهبران مذهبی بودند ارائه می‌شد. اما بعد از تشکیل جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ به عنوان یک کشور واحد، یک سیستم تقسیمات منطقه‌ای بر پایه یک حکومت مرکزی قدرتمند شکل گرفت. ترکیه سه نوع اصلی از حکومت‌های محلی دارد: اول تشکیلات روستایی، که قدیمی‌ترین و اساسی‌ترین ساختار حکومتی منطقه‌ای ترکیه را تشکیل می‌دهند. در وصف ساختار روستا چنین شرح داده‌اند که روستا یک محل اسکان کوچک است که معمولاً از جمعیت کمتر از ۲۰۰۰ نفر تشکیل شده است. ساختار روستایی حوزه قدرتی در داخل سرحدات روستا دارد عموماً محل‌های اسکان کوچک به همراه املاک و دارایی‌های ساکنان، زمین‌ها و ... در روستا را تشکیل می‌دهند. ساختار روستا سه ارگان دارد: جامعه روستا، شورای ریش سفیدان (بزرگان) و کدخدا.

سیدعلی بدری و همکاران (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای تحت عنوان مدیریت نوین روستایی (در جستجوی راهکاری مناسب برای توسعه دهیاری‌ها) نشان می‌دهد دهیاران می‌توانند نقش تسهیل‌گران محلی را ایفا کنند. آن‌ها زمینه مشارکت روستاییان و ساکنین محلی را فراهم آورده و به عنوان عامل تغییر در محل خود منشاء ایجاد تحولات بسیار می‌شوند. دهیاران به عنوان مدیر و فرد تسهیل‌گر در رفع موانع اجرایی و ایجاد زمینه‌های هموار برای اجرای قوانین و مقررات باید اعتماد جامعه را به دست آورند. رفتار و برخورد و کنش تسهیل‌گر در مقابل مردم روستا، اهمیت بسیار زیادی در حل مشکلات دارد و از مسائل بسیار مهم و کلیدی و از سازوکارهای مؤثر در چگونگی رفع موانع اجرایی در برنامه‌ها و طرح‌های دهیاری‌ها می‌باشد.

مولائی هشجین (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان مدیریت برنامه ریزی توسعه روستایی و عشایری در ایران (چالش‌ها و راهکارها)، آورده‌اند تحقق توسعه پایدار کشور در گرو برنامه‌ریزی توسعه در همه ابعاد در مناطق شهری، روستایی و عشایری است. بی‌توجهی و کم‌توجهی بدان، موجب فاصله گرفتن کشور از فرایند عملی توسعه از طریق افزایش شکاف شهری و روستایی - عشایری، بروز مشکلات زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق روستایی - عشایری و نیز شهرها به عنوان کانونهای جذب جمعیت خواهد بود که این امر در طی چند دهه اخیر در ایران اتفاق افتاده است. بر این اساس مدیریت روستایی - عشایری در وضع موجود با توجه به قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی پاسخگوی نیاز کشور نیست و باید با رویکرد جامع و راهبردی برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی - عشایری پیش رفت.

مسعود مهدوی و همکاران (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (نمونه موردی دهیاری‌های استان آذربایجان غربی) آورده‌اند که نظام مدیریت روستایی طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته و متأسفانه خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی این ادوار به خصوص تا سال ۱۳۴۰ و دهه‌های اخیر مشکلات عدیده‌ای را برای روستاییان ایجاد نموده است. اگرچه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تشکیلاتی تحت عناوین شوراهای اسلامی و خانه همیار، دفتر عمران روستایی و ... در روستاها شکل گرفتند، ولی به دلیل نداشتن زمینه‌های لازم، سازمان‌های اجرایی مرتبط توفیق قابل قبولی حاصل نکردند. به دلیل این نابسامانی در سال ۱۳۷۷ قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در

روستاهای کشور به تصویب رسید. در این مقاله ضمن بررسی مسائل مدیریت روستایی در ایران و تبیین چگونگی تشکیل دهیاری‌ها، نقاط قوت و ضعف آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و به منظور بیان عملکرد دهیاری‌های تأسیس شده، به عنوان مطالعه موردی، اهم فعالیتهای عمرانی و خدماتی ۳۲۹ دهیاری استان آذربایجان غربی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

فاطمه معارفی (۱۳۸۱)، در پایان نامه دوره کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تحت عنوان ارائه الگوی ساختاری برای مدیریت نظام توسعه روستایی کشور مبتنی بر برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بیان نموده است که نظام اداری کشور ما به طور خاص با روستا برخورد کرده است و به شکل بخشی اداره می‌شود. از آنجاییکه منابع در درون هر بخش از بالا به پایین توزیع می‌شود (از مراکز استانها به شهرستانها و روستاها)، در این سلسله مراتب نهایتاً منابع بسیار اندکی به روستاها می‌رسد. در غیر اینصورت بخش‌های مختلف درون روستا با یکدیگر به صورت هماهنگ عمل نمی‌کنند. نتیجه اینکه هیچ وقت به توسعه روستایی نرسیده‌ایم که این امر فقر، کمبود اشتغال، شکاف بین شهر و روستا و مهاجرت روستاییان را به دنبال داشته است. در این پژوهش با توجه به مطالعات انجام گرفته سه الگوی تشکیلاتی برای توسعه نظام روستایی کشور پیش بینی شده است که با نظرخواهی از خبرگان، الگوی بهینه از میان آنها که بتواند فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب را کاهش دهد انتخاب شده است.

چارچوب مفهومی و نظری تحقیق

مفهوم و تعریف مدیریت روستایی

مدیریت روستایی از مقوله‌هایی است که نقشی مهم و تعیین‌کننده در هدایت و توسعه روستاها دارد (Chowdhary, 1971). مدیریت روستایی در فرایند توسعه روستایی یکپارچه و پایدار نقش اساسی دارد (Hashemy et.al., 2012: 1-3). رابرت چمبرز در این زمینه می‌گوید: «تعداد معدودی از دانشگاهیان، مدیریت روستایی را از نظر مسئولیت ذهنی و فکری مهیج می‌بینند و یا آنرا واجد حوزه‌هایی که در آن به تحقیق کاربردی بتوان دست زد می‌دانند، کارگزاران روستایی هنوز راه طولانی در پیش دارند تا بتوانند تشخیص دهند که چگونه مدیریت می‌تواند در خدمت توسعه روستایی باشد» به طور کلی مدیریت روستایی فرایند سازمان دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست (Chambers, 1983). این سازمان‌ها و نهادها ابزارها یا وسایل تأمین هدفهای جامعه‌ی روستایی‌اند که مردم روستا آنها را ترسیم کرده و پذیرفته‌اند. مدیریت روستایی، برنامه ریزی برای روستا و سازمان دهی اقدام توسعه‌ای، و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده است. به عبارت دیگر، مدیریت روستایی؛ تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی و اقتصادی در جامعه روستایی است (Eftekhary and et al, 2008:12).

به بیان دیگر مدیریت روستایی فرآیند چندجانبه‌ای است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرآیند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمانهای روستایی، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد (Rezvani, 2005:230). همچنین می‌توان مدیریت

روستایی را این گونه نیز تعریف نمود: مدیریت روستایی دربرگیرنده کلیه تشکیلات اجرایی روستا می‌باشد که به طور مستقیم در رابطه با توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روستاها انجام وظیفه می‌کند. امروزه مدیریت روستایی با نمایندگی نیازهای گوناگون گروه‌های معین روستایی در مناطق مختلف جغرافیایی می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در پیشبرد امور و توسعه روستایی بر عهده گیرد.

مدیریت روستایی در ایران

مدیریت روستایی در ایران در طول تاریخ فراز و نشیب‌های متعددی داشته است. این فراز و نشیب‌ها به ویژه در سالهای اخیر سرعت بیشتری یافته و با تغییر و تحولات زیادی به لحاظ تشکیلات و زیربنای قانونی مواجه بوده است. تا زمانی که دولت مرکزی در روستاها حضور نداشت، رتق و فتق امور روستا توسط افرادی با مشروعیت سنتی انجام می‌گرفت که گاه به لحاظ موروثی بودن آن سالهای سال در دست افراد خاص در گردش بوده است. این افراد عمدتاً مالکان و نمایندگان آنها یعنی کدخدا و مباشر بود. با گسترش اقتدار حکومت، حوزه مداخله حکومت از شهرها فراتر و به روستاها نیز سرایت نمود. این گسترش باعث مداخله دولت در روستاها و دستکاری در مدیریت سنتی روستاها شد.

از جمله این تغییرات کاهش قدرت مالکان و سپس حذف سیاسی مالک از محیط روستا و ازهم پاشیدگی مدیریت روستا بدون داشتن جایگزین مناسب در آن برهه و سپس راه اندازی انواع نهادهای محلی توسط دولت و شکل‌گیری صور مختلف حضور دولت یا نمایندگان آنها در روستا شد. در ادامه با پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات به وجود آمده در روستا، مدیریت روستایی با تغییر فکر از مدیریت فردی به مدیریت مبتنی بر نظام شورایی بنیاد نهاده شد و وظیفه اداره روستا برعهده نهاد جدیدی تحت عنوان «شوراهای اسلامی روستایی» گذاشته شد. این شوراهای که قانون آن به تاریخ ۱۳۶۱/۶/۱۰ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت مسئولیت اداره امور روستاها را بر عهده گرفتند. مهم‌ترین ویژگی این نهاد مدیریتی تازه تأسیس، انتخاب مستقیم این افراد توسط مردم روستا و شورایی بودن آن بود. با تصویب قانون «وظایف، تشکیلات و شوراهای اسلامی کشوری» در سال ۱۳۷۵ و اصلاح این قانون در سال ۱۳۸۲ تجربه مدیریت اجرایی جدیدی در عرصه مدیریت روستایی شکل گرفت و آن راه اندازی دهیاری است که دربرگیرنده یک نهاد اجرایی-مدیریتی جدید در روستا زیر نظر شورای اسلامی روستا است که وظایف متعدد خدماتی و عمرانی را برعهده دارند.

بررسی و شناخت مسائل و مشکلات و نقاط قوت و ضعف مدیریت روستایی کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو اشاره این مجمل به سیر تحولات مدیریت روستایی کشور طی سالهای گذشته برای تحلیل وضع موجود و آینده پیشرو مفید خواهد بود:

۱- مدیریت روستایی قبل از انقلاب مشروطیت

۲- مدیریت روستایی از مشروطیت تا اصلاحات ارضی

۳- مدیریت روستایی پس از اصلاحات ارضی تا پیروزی انقلاب اسلامی

۴- مدیریت روستایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

۱- ایران به عنوان یکی از مراکز اولیه و مهم تمدن بشری، شکل‌گیری روستا و مدیریت روستایی در ایران سابقه بسیار زیادی دارد. ایران باستان را می‌توان به عنوان یکی از بنیان‌گذاران برنامه‌ریزی و مدیریت روستایی به شمار آورد. آغاز استفاده از عرصه طبیعت در این کشور با سابقه‌ای ۱۰۵۰۰ سال پیش به دوران شناخته شده رمه گردانی به عنوان یک حرفه برمی‌گردد. اما آنچه مسلم است جنوب غربی ایران و منطقه بین‌النهرین یکی از هسته‌های اولیه تمدن کشاورزی و در نتیجه روستانشینی جهان است. براساس آنچه از منابع تاریخی دریافت می‌شود در هزاره سوم قبل از میلاد وجود پراکندگی دهات در این قسمت از ایران زمینه ایجاد یک مرکزیت مدنی را فراهم کرد و در همین جا بود که نخستین دولت «ایلام» به وجود آمد و به تدریج مراکز روستایی در ایران گسترش و توسعه یافت و روستاییان با پیشرفت کشاورزی و استفاده از امکانات طبیعی و افزایش ارتباطات تجاری و اجتماعی به قدرت دست یافتند. طی این دوره ساکنین روستاها بدون پایگاه اجتماعی و به دور از توجه حکومت به حیات خود ادامه می‌دادند و حکومت چندان در امور مدیریتی روستا دخالت نمی‌کرد. می‌توان گفت که در این برهه از تاریخ ایران ساختار کاملاً سنتی بر اداره امور روستاها حاکمیت داشته و دولت به جز مالیات در اداره امور روستا مداخله‌ای نداشته دولت مرکزی بر اراضی زراعی مالکیت داشتند. تنها قدرت در روستا نقش تعیین‌کننده و بی‌رقیب مالکان در اداره امور عمومی روستا بوده. روستا از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای مدیریت واحدی بوده و عوامل اجرایی دیگری مثل داروغه، دشتبان و... در کنار کدخدا حضور داشتند (Badry and et al, 2010:20).

۲- نقطه‌ای که می‌توان به عنوان مبدأ فعالیت‌های قانونمند برای انجام اقدامات توسعه کشور و به ویژه توسعه روستایی در نظر گرفت همان آغاز انقلاب مشروطه می‌باشد (Mahdavy and, 1999:34) پس از برقراری مشروطیت، همان طور که برای اداره حکومت اصول و تشکیلات تازه مقرر گردید و حقوق افراد ملت به موجب قانون اساسی معین و اداره امور کشور از صورت استبدادی به حکومت سلطنتی مشروطه پارلمانی مبدل شد، برای اداره شهرستان‌ها نیز ترتیب عدم تمرکز برقرار شد (Sanjaby, 1964:69-70).

در این دوره با به قدرت رسیدن رضا شاه و تلاش برای تأسیس دولت مدرن در ایران، زمینه‌های مداخله دولت در امور مختلف جامعه از جمله مدیریت روستایی فراهم آمد. نگاهی به تاریخ ایران نشان می‌دهد که شرایط موردنظر تا هنگام به قدرت رسیدن رضاشاه و آغاز پویای توسعه نیافته بود. در این دوران از جمعیت ۱۱ میلیونی ایران ۹ میلیون نفر در روستاها زندگی می‌کردند. بخش کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن ۹۰ درصد از نیروی شاغل را به خود اختصاص داده بود. طبقه‌ای زمین‌دار متشکل از شاه‌زادگان و اشراف، علما، خوانین و رؤسای عشایری و بخشی از بازرگانان مالک بیشترین زمین‌های کشاورزی بودند. عقب‌ماندگی علمی- فنی جامعه مانع از به کارگیری ابزارها و شیوه‌های نوین زراعت در بخش کشاورزی شده بود و کشاورزان با استفاده از ابزارهای ابتدایی و با تحمل رنج بسیار به کشت می‌پرداختند (Imani Jajrami, 1995:69).

در چنین وضعیتی با پیروزی انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی قوانین، مقررات و تصویب نامه‌های مختلفی برای گسترش نهادهای مردمی تدوین و تصویب شد. قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۲۵ تصویب شد. این قانون در واقع شروع اندیشه ایجاد نهادهای رسمی برای مشارکت مردم در امور اجرایی محلی بود. در این دوره دولت در امور روستا مداخله داشته، ساختار بزرگمالکی در روستا حاکم بود (حاکمیت مالکان و ایادی

آن‌ها در روستا). در این دوره کدخدا به عنوان مدیر روستا به رسمیت شناخته شده و، سازمان‌های محلی و انجمن‌های ده به عنوان نهاد مشارکتی انجام امور عمومی روستا تشکیل شدند و بدین وسیله زمینه دخالت مردم در امور روستا فراهم گردید (Badry and et al, 2010:30).

۳- اصلاحات ارضی تغییر و تحولات بنیادی در مدیریت روستایی کشور ایجاد نمود. اصلاحات ارضی در ایران موجب شد تا سازمان سنتی تولید تا حدودی تغییر پیدا کند و بالاخره سبب تحکیم قدرت دستگاه بورکراتیک در مناطق روستایی گردید. علاوه بر آن، با اینکه قبل از اصلاحات ارضی در ایران گام‌هایی در جهت تغییر ساختار اجتماعی روستا برداشته و سعی شد تا دولت دامنه مداخلات خویش را در روستا بگستراند و همچنین تغییراتی در زمینه وضع قوانین و مقرراتی در جهت تضعیف قدرت مالکان و امکان مشارکت بیشتر زارعین در مدیریت روستا به وجود آورد، این تغییر و تحولات چندان نتوانست موفقیت آمیز باشد. برای اینکه هنوز ساخت اجتماعی وجود داشت و عملاً رعایا و اقشار پایین جامعه امکان مداخله و مشارکت همگانی در سرنوشت خود و روستاهای خویش را نمی‌یافتند. چرا که ماهیت چنین نظام اجتماعی حاکم بر روستاها، فرصت‌هایی را به اقشار و طبقات کم زمین نمی‌داد. به طور خلاصه با انجام اصلاحات ارضی و پشتیبانی ناقص از آن نظام مدیریتی ده از هم گسسته شده که این امر طی روند زیر اتفاق افتاد:

- مالک همراه با کلیه مشخصات مثبت و منفی خود به ترک روستا مبادرت کرد
- مباشر که تنها رابط بین مالک و جامعه ده نشین بود و عموماً حافظ منافع مالک در ده بود، بدون آنکه نفع یا زیانی از خروج او بر نظام روستایی وارد شود متعاقب مالک از ده بیرون رفت.
- کدخدا به عنوان کلید حل تمام معماها و حلقه اتصال کلیه پیوندهای ده، ابتدا به شدت تضعیف و در نهایت سمت وی در ده حذف شد.

- خوش نشینان نیز که با انجام بیش از ۵۰ نوع خدمت در محیط ده بازوی اصلی و هرم اساسی پشتیبانی تولید محسوب می‌شدند با سرعتی شتاب آلود به ترک ده اقدام نمودند.
- زارعین صاحب نسق که در تاریخ گذشته روستاشینی ایران به عنوان اعضای اصلی شورای عمومی مدیریت روستا بودند به دلایل مختلف منزوی شدند و به صورت وسیعی دست به مهاجرت زدند و با رفتن آنان شیرازه انسجام تولیدی و اجتماعی ده از هم فروپاشید.

در این دوره از تاریخ مدیریت روستایی در ایران اراضی بین زارعین تقسیم گردید، نفوذ مالکان در روستاها کاهش یافته، تشکیلات اداری مرتبط با روستا در دولت گسترش یافته، تشکیل انجمن ده، خانه انصاف و... زمینه تمرکز زدایی در مدیریت روستا را فراهم نموده و ارکان سنتی اداره امور روستا از هم پاشید. روستاییان در مدیریت امور عمومی روستا دارای حق رأی بوده، ارتباط مستقیم و بی‌واسطه مالک با دولت تنزل یافته، چندگانگی در مدیریت روستایی به وجود آمده و کم کم دولت به جای مالک در روستا جایگزین شده و نام کدخدا به دهبان تغییر یافت (Badry and et al, 2010:39).

۴- با پیروزی انقلاب اسلامی و انحلال موسساتی مانند سپاه دانش، ترویج، عدالت، خانه انصاف و انجمن ده خلاء مدیریت در روستاها وجود داشت. با تغییر ساختار سیاسی جهت ساماندهی به مدیریت روستایی نهادهایی همچون

جهاد سازندگی برای سازندگی روستاها در خرداد ماه سال ۱۳۵۸ و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به منظور کمک در امر تأمین مسکن محرومان در فروردین ماه ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی (ره) و هیات‌های هفت نفره (با توجه به تصویب قوانین احیاء و واگذاری اراضی) تشکیل گردید. این نهادها و سایر سازمانهای دولتی که بعد از انقلاب اسلامی به مدد روستا و روستاییان شتافتند، خود را نیازمند افرادی دیدند که بتوانند پل ارتباطی میان آنان و مردم باشند. به همین دلیل قبل از تصویب قانون شوراهای اسلامی روستایی، این شوراها در سطح نسبتاً وسیعی پیش از تدوین قانون و مقررات مربوط تشکیل شدند و به فعالیت پرداختند. شوراهای اسلامی ابتدا از طریق جهاد سازندگی در روستاها شکل گرفتند. شوراهای اسلامی روستایی که قانون آن در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۱ به تصویب مجلس رسید، مسئولیت اداره امور روستاها را برعهده گرفتند. مدت اعتبار شورا دو سال بود و مهمترین ویژگی این نهاد مدیریتی تازه تأسیس، انتخاب مستقیم این افراد توسط مردم روستایی و شورایی بودن آن بود. برای تداوم فعالیت این نهادهای مدیریتی روستایی در سال ۱۳۷۱ نیز مجدداً قانون شوراهای مصوب سال ۱۳۶۵ مورد بازنگری قرارگرفت که این قانون جدید در اول خرداد ماه ۱۳۷۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و زمینه برای برگزاری انتخابات شوراها فراهم شد. با تصویب قانون جدید و برابر ماده ۹۱ آن حداکثر ظرف مدت یک سال باید کلیه شوراها تشکیل می‌شد ولی با بیش از یک سال و نیم تأخیر بالاخره انتخابات شوراها در اسفند ماه سال ۱۳۷۷ برگزار شد و سرانجام در ۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ شوراهای اسلامی شهر و روستا رسماً کار خود را آغاز کردند.

با تصویب قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در سال ۱۳۷۷ در مجلس شورای اسلامی و با تصویب اساس نامه، سازمان و تشکیلات دهیاری‌ها در سال ۱۳۸۰، نهاد دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورا و در تناظر با شهرداری به عنوان یک نهاد غیر دولتی و خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل، متولی امور عمومی روستا شد. در این زمان بود که وظایف مدیریت کلان دهیاری‌ها بر عهده سازمان شهرداری‌های کشور گذاشته شد و این سازمان با افزودن یک معاونت جدید به نام امور دهیاری‌ها به سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور تغییر نام یافت. از مشخصات و ویژگی‌های بارز این دوره، جایگزینی مدیریت شورایی به جای مدیریت واحد، انتخاب مستقیم مدیران روستا توسط روستاییان، راه اندازی نهادهای محلی جدید به عنوان بازوی اجرایی روستایی، حذف مالکان و جلوگیری از اعمال نفوذ آنها در روستا، حضور پررنگ دولت در روستاها و در نتیجه تعدد سازمانهای درگیر در اداره امور روستاها، سازماندهی مؤثر مدیران روستایی جهت ایفای نقش (تشکیل نشست‌ها و گردهمایی‌ها و ساماندهی و توجه به آموزشهای مدون) و درجه بندی دهیاری‌ها اشاره نمود (Badry and et al, 2010:60).

دلایل و ضرورت تشکیل دهیاری‌ها و جایگاه آن در نظام مدیریت روستایی کشور

عدم وجود یک نهاد محلی متولی امور عمومی به ویژه در زمینه نگهداری تاسیسات عمومی روستا، بهداشت محیط، بلایای طبیعی، نظیف و نگهداری معابر و انهار عمومی ایجاد بهبود وضعیت کوجه‌ها و معابر موجب مشکلات عدیده برای روستا خواهد شد. ضعف نگهداری تاسیسات ایجاد شده و عدم اهتمام در بهبود وضعیت زیست محیطی روستاها به خصوص مسائل مرتبط با پسماندها و فضای سبز روستایی و رعایت بهداشت عمومی هر ساله علاوه بر وارد نمودن زیانهای مالی زیاد موجب بروز انواع مشکلات سلامتی در روستاها می‌گردد. علاوه بر آن بهبود این گونه خدمات تأثیر زیادی در روی آوری روستاییان در مهاجرت به شهر داشته است.

مهم‌ترین اهداف تشکیل نهاد دهیاری به شرح ذیل می‌باشد.

- ضعف و عدم مدیریت واحد روستایی که پس از اصلاحات ارضی این خلاء ایجاد گردیده بود.
- متعدد بودن متولیان امور روستا و موازی کاری در امر مدیریت روستایی.
- تحقق اهداف کلان حاکمیت در سطح محلی در قالب نهادی مبتنی بر مشارکت مردم برای مدیریت اداره امور عمومی روستا.
- تحقق پذیری رویکردهای توسعه‌ای از بعد نرم‌افزاری به ویژه نقش تسهیل‌گری برای نهادهای ملی در سطح محلی
- ظرفیت‌سازی و هم‌افزایی توانایی‌های موجود در روستا به منظور ایجاد بستری جهت پاسخگویی به رفع نیازهای عامه مردم.
- تمرکز زدایی و واگذاری امور و تصدی‌های اجتماعی، فرهنگی و توسعه‌ای به نهادهای مسئول در سطح محلی.
- تحقق توسعه پایدار روستایی با رهیافت توسعه از پایین به بالا.

دهیاری مهم‌ترین و جدیدترین نهادی است که در عرصه مدیریت روستایی ایران شکل گرفته است و به لحاظ جایگاه، هم‌تراز با نهاد شهرداری در شهرها می‌باشد. این نهاد عمومی غیردولتی به منظور اداره امور روستا به صورت خودکفا و با شخصیت حقوقی مستقل در هر روستا تأسیس گردیده است.

مسئول اداره دهیاری که دهیار نامیده می‌شود، توسط شورای اسلامی روستا معرفی شده و با تأیید بخشداری مسئولیت مدیریت روستا را بر عهده دارد. مجوز تأسیس دهیاری با درخواست اهالی روستا توسط وزارت کشور صادر می‌شود. عملکرد این سازمان مدنی و نیمه دولتی مشابه ساز و کار شهرداری در شهرهای کشور است. دهیار عهده دار وظیفه اجرای مصوبات شورای اسلامی روستا، همراه با انجام وظایف محول از سوی دستگاه‌های اجرایی کشور است (Kouchakian fard, 2010:84).

پیش بینی شده تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای حدود ۳۷۰۰۰ روستا مجوز تأسیس دهیاری صادر شود که این تعداد معادل کل روستاهای بالای ۲۰ خانوار و دربردارنده بیش از ۹۰ درصد جمعیت روستایی کشور باشد. از ابتدای فعالیت صدور مجوز تأسیس دهیاری رویکردی مبتنی بر برخورداری جمعیت روستایی بیشتر مد نظر بوده و به همین دلیل همواره روستاهای پرجمعیت‌تر در صدور مجوز تأسیس در اولویت قرار داشته و بر همین اساس در هر مقطع زمانی حد نصاب جمعیتی مشخصی ملاک اصلی صدور این مجوز بوده است. این حد نصاب در سال ۱۳۸۷، ۴۰۰ نفر جمعیت یا معادل ۸۰ خانوار در نظر گرفته شده و به این ترتیب روستاهایی که واجد شرایط بوده در صورت اعلام آمادگی اهالی روستا مجوز تأسیس دهیاری به وسیله سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور صادر گردد. همچنین در مواردی خاص مانند روستاهای دارای میراث فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی روستاهای هدف گردشگری، روستاهای مرزی و کویری این نصاب جمعیتی تا سقف ۳۰۰ نفر جمعیت یا ۶۰ خانوار قابل تقلیل است (Badry and et al, 2010:84).

مدیریت نوین روستایی

مدیریت جدید روستایی بر ظرفیت‌های جوامع محلی، با اداره دقیق مکان و بهره‌برداری از منابع آن متکی است. مدیریت جدید روستایی افزون بر ایجاد توسعه محلی عمل کردن را می‌آموزد و تمامی این موارد با توانمندی‌های

جمعی میسر می‌گردد. منظور از مدیریت نوین روستایی تشکیلاتی است که به دنبال تصویب قانون تشکیلات وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران در سال ۱۳۷۵ و نیز قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور در سال ۱۳۷۷ در عرصه مدیریت روستایی کشور به وجود آمده است. طبق قانون شورا به عنوان نهاد تصمیم گیر، برنامه ریز و سیاستگذار و دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورا و مسئول اجرای امور روستا شناخته شده است (Badry and et al, 2010:15).

چشم انداز مدیریت نوین روستایی

ساختار موجود نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان، نیازمند نوعی مدیریت راهبردی است تا با نگاه بلندتری که به سالهای آتی دارد بتواند با تبیین مسائل پیش‌روی در شرایط حاضر و آینده، زمان وقوع و آثار وقوع را در برنامه‌ریزی پیش بینی نماید و متناسب با این تغییرات آینده نگری را اصلاح و موضوعات را اولویت‌بندی راهبردی نماید. این نوع مدیریت چهار عنصر شناخت راهبردی، برنامه‌ریزی راهبردی و اجرای آن و نظارت و پایش را از ارکان شیوه مدیریت خود می‌داند و تلاش دارد با نگاه توسعه‌ای-برنامه‌ای به مقوله توسعه و برنامه‌ریزی روستا در سطوح خرد و کلان، ارتباط این اجزاء را با مدیریت راهبردی مناطق روستایی روشن نماید. در این نوع مدیریت عناصری چون رسالت، اهداف و راهبردها و ارکانی چون حوزه راهبردی، تعیین راهبرد با برنامه‌ریزان راهبردی و نظام برنامه‌ریزی مورد توجه است (Badry and et al, 2010:172-173).

نقش مدیریت روستایی در فرآیند توسعه روستایی

توسعه پدیده‌ای است با ابعاد مختلف که هر یک به نوعی در زندگی انسان نمود دارد. اگر چه ابعاد مذکور از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند و بسته به سطح توسعه جوامع مختلف تفاوت‌هایی دارند ولی با وجود این هماهنگی بین ابعاد توسعه لازم و ضروری است و در محافل علمی توسعه را با این صفت می‌شناسند (Papoli yazdi, 2009:38). بر اساس تعریف بانک جهانی، توسعه روستایی راهبردی است که به منظور بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی گروه خاصی از مردم یعنی روستاییان فقیر طراحی شده است. این استراتژی در پی گسترش دادن منافع توسعه در بین فقیرترین اقشاری است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند. این گروه شامل کشاورزان خرده پا، خوش نشینان و کشاورزان بی زمین می‌شود. تأکید بر اقشار فقیرتر در توسعه روستایی به معنی نادیده گرفتن سایر قشرهای موجود در روستا نیست. بلکه تأکید بر بهره مندی ضعیف‌ترین گروه‌های روستایی از منافع توسعه و توزیع عادلانه آثار توسعه از طریق درگیر ساختن تمامی گروه‌ها و اقشار جامعه روستایی است (Jomeh por, 2009:57).

قلمرو پژوهش

شهرستان قائم‌شهر یکی از شهرستان‌های استان مازندران است. این شهرستان دارای مساحت ۴۵۸/۵ کیلومتر مربع است که ۱/۹۳ درصد کل مساحت استان را به خود اختصاص داده‌است. در مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. این شهرستان از شمال به شهرستان

جویبار، از جنوب به شهرستان سوادکوه، از غرب به شهرستان بابل و از شرق به شهرستان ساری محدود می‌گردد (جدول ۱).

جدول ۱: تقسیمات کشوری شهرستان قائمشهر

عنوان	شهرستان	استان	نسبت شهرستان به استان (درصد)
مساحت (کیلومتر مربع)	۴۵۸/۵	۲۳۷۵۶/۴	۱/۹۳
تعداد شهر	۲	۵۱	۱/۹
تعداد بخش	۱	۴۴	۲/۳
تعداد دهستان	۵	۱۱۳	۴/۴

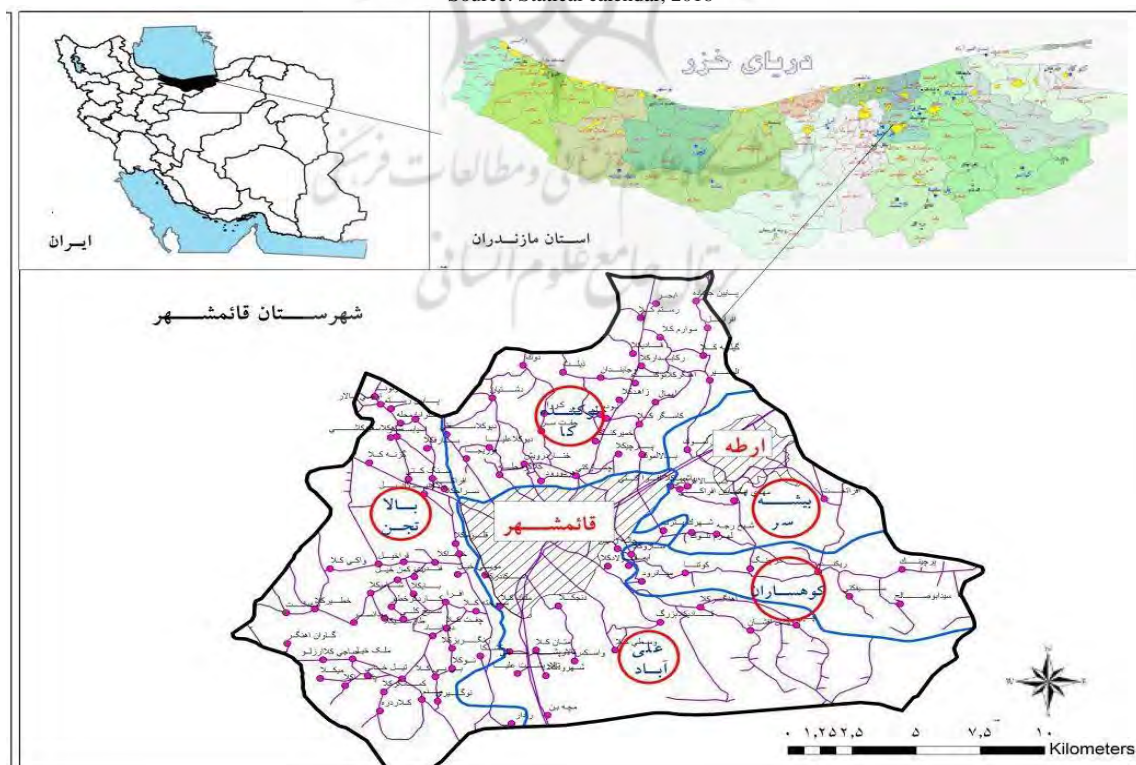
Source: Statistical year book of Mazandaran province, 2016

براساس آخرین تقسیمات سیاسی شهرستان قائمشهر دارای ۱ بخش، ۲ نقطه شهری، ۵ دهستان و ۱۱۷ روستای دارای سکنه و خالی از سکنه بوده و مرکز آن نیز شهر قائمشهر می‌باشد. همانطور که ذکر شد از تعداد کل روستاهای شهرستان، تعداد ۷۵ روستا از روستاهایی که دارای شورا یا دهیار هستند انتخاب شده است (جدول ۲ و شکل ۱).

جدول ۲: تعداد روستاهای بخش مرکزی شهرستان قائمشهر بر حسب دهستانها

دهستان	جمع روستاها		روستای دارای سکنه		روستای خالی از سکنه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بالانجن	۴۸	۴۱	۲۸	۱۰۰	۰	۰
پیشه سر	۱۴	۱۲	۱۴	۱۰۰	۰	۰
علی آباد	۱۷	۱۴/۵	۱۷	۱۰۰	۰	۰
کوهساران	۸	۶/۸	۸	۱۰۰	۰	۰
نوکنده کا	۳۰	۲۵/۶	۲۹	۹۶/۷	۱	۳/۳
جمع	۱۱۷	۱۰۰	۱۱۶	۹۹/۱۵	۱	۰/۸۵

Source: Statical calendar, 2016



شکل ۱: موقعیت محدوده مورد مطالعه Source: Statistical yearbook of Mazandaran province, 2015 and Statistical Center of Iran, 2013

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

تعداد و جنس

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از ۷۵ نفر از کارشناسان پرسشنامه‌های مورد نظر تکمیل گردید نتایج مطالعات نشان می‌دهد که ۷۶ درصد از افراد پاسخگو مرد و ۲۴ درصد زن بوده‌اند.

جدول ۳: توزیع تعداد و درصد پاسخگویان بر حسب جنس

شرح	مرد	زن	جمع
تعداد	۵۷	۱۸	۷۵
درصد	۷۶	۲۴	۱۰۰

Source: Reserch Finding, 2016

● سیاست‌های بخش مدیریت و توسعه روستایی در برنامه‌ها

● توجه به محرومیت زدایی و توسعه روستایی در برنامه‌های چهارم و پنجم

در برنامه‌های چهارم و پنجم (۹۴-۸۴) یکی از سیاستهای بخش توسعه روستایی محرومیت زدایی بوده است ۷۸/۷ درصد از دیدگاه کارشناسان مرتبط با بحث روستا نشان می‌دهد که دولت در این زمینه موفق بوده است (جدول ۴).

جدول ۴: توجه به محرومیت زدایی و توسعه روستایی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

شرح	بلی	خیر	جمع
تعداد	۵۹	۱۶	۷۵
درصد	۷۸/۷	۲۱/۳	۱۰۰

Source: Reserch Finding, 2016

● میزان توجه به محرومیت زدایی و توسعه روستایی در برنامه‌های چهارم و پنجم

از دیدگاه ۶۱/۳ درصد کارشناسان سیاستهای برنامه‌های مذکور در حد متوسط و بسیار کم موجب محرومیت زدایی شده است و در این بین ۲۰ درصد در حد زیاد و بسیار زیاد بوده است (جدول ۵).

جدول ۵: میزان توجه به محرومیت زدایی و توسعه روستایی

شرح	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	جمع
تعداد	۲	۱۳	۳۱	۱۴	۱۵	۷۵
درصد	۲/۷	۱۷/۳	۴۱/۳	۱۸/۷	۲۰	۱۰۰

Source: Reserch Finding, 2016

● اثرات تخصیص اعتبارات محرومیت زدایی در جهت کاهش مهاجرت

۵۸/۶ درصد در حد متوسط و بالاتر از کارشناسان به تخصیص اعتبارات دولت در برنامه‌های مذکور به تأثیر مهاجرت معتقد بوده‌اند (جدول ۶).

جدول ۶: اثرات تخصیص اعتبارات محرومیت زدایی در جهت کاهش مهاجرت

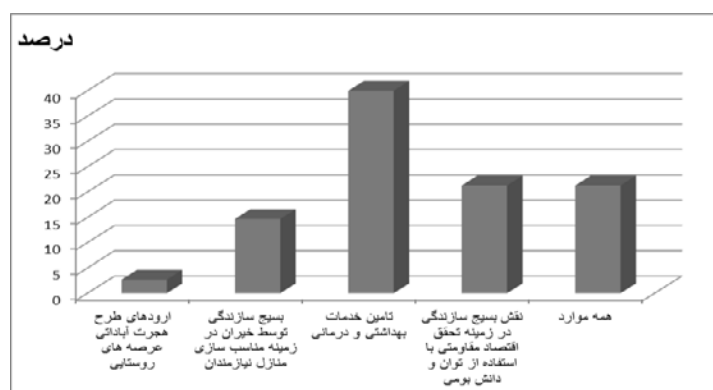
شرح	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	مجموع
فراوانی	۱	۱۳	۳۰	۲۱	۱۰	۷۵
درصد	۱/۳	۱۷/۳	۴۰	۲۸	۱۳/۳	۱۰۰

Source: Reserch Finding, 2016

● تأثیر اقدامات در جهت محرومیت زدایی و توسعه روستایی

در راستای توسعه روستایی دولت اقدامات مختلفی را برای روستاها انجام داده است بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۴۰ درصد پاسخگویان به اثر سیاستهای دولت در زمینه خدمات بهداشتی و درمانی مربوط بوده است و ۲۱/۳ درصد نیز

به بسیج سازندگی در زمینه تحقق بهبود اقتصادی که تأثیر بسزایی در کاهش محرومیت زدایی داشته مربوط بوده است (شکل ۲).



شکل ۲: توزیع درصد تأثیر اقدامات در جهت محرومیت زدایی و توسعه روستایی

Source: Resesrch Finding, 2016

● توجه به مدیریت و توسعه روستایی در برنامه پنجم توسعه در مقایسه با سایر برنامه‌ها

از دیدگاه ۷۲ درصد کارشناسان در برنامه پنجم (۹۴-۹۰) به مدیریت و شوراهای روستایی بیش از سایر برنامه‌ها توجه شده است (جدول ۷).

جدول ۷: توجه به مدیریت روستایی برنامه پنجم در مقایسه با سایر برنامه‌ها

شرح	بلی	خیر	جمع
تعداد	۵۴	۲۱	۷۵
درصد	۷۲	۲۸	۱۰۰

Source: Resesrch Finding, 2016

از دیدگاه حدود ۸۰ درصد از کارشناسان، سیاست‌های دولت پنجم در حد متوسط و بالاتر در راستای توسعه روستاها بوده و از نظر حدود ۱۹ درصد سیاست‌های دولت در حد زیاد و بسیار زیاد در راستای توسعه پایدار بوده است (جدول ۸).

جدول ۸: میزان توجه به مدیریت و توسعه روستایی برنامه پنجم در مقایسه با سایر برنامه‌ها

شرح	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	جمع
تعداد	۱	۱۳	۴۶	۱۱	۴	۷۵
درصد	۱/۳	۱۷/۳	۶۱/۳	۱۴/۷	۵/۳	۱۰۰

Source: Resesrch Finding, 2016

● چالش‌های مدیریت روستایی

مهم‌ترین چالش‌های مدیریت روستایی در محدوده مورد مطالعه، به ترتیب؛ وضعیت آموزش نیروی انسانی، فقدان مدیریت واحد روستایی، نبود منابع مالی پایدار، کم‌رنگ بودن مشارکت مردم محلی و سایر موارد بوده‌اند (جدول ۹).

جدول ۹: چالش‌های مدیریت روستایی

شرح	تعداد	درصد
فقدان مدیریت واحد روستایی	۲۰	۲۶/۶
نبود منابع مالی پایدار	۱۶	۲۱/۳
کم‌رنگ بودن مشارکت مردم محلی	۱۰	۱۳/۳
وضعیت آموزش نیروی انسانی	۲۶	۳۴/۶
همه موارد	۵	۶/۷
جمع	۷۵	۱۰۰

Source: Resesrch Finding, 2016

یافته‌های تحلیلی - استنباطی

فرضیه: در برنامه پنجم توسعه، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی در مقایسه با سایر برنامه‌های توسعه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس ماده ۱۹۴ قانون برنامه پنجم توسعه اجتماعی، اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرائی، ارتقاء سطح درآمد و کیفیت زندگی روستائیان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، حمایت لازم را اقداماتی به عمل آورد که یکی از این اقدامات، تعیین الگوی مدیریت در آبادیهای فاقد شورای اسلامی می‌باشد. در واقع باید تا پایان برنامه پنجم، کلیه روستاهای واقع در کشور دارای مدیریت روستایی شوند.

با توجه به آمار بدست آمده از بخش‌داری شهرستان مشاهده شده است در زمینه مدیریت روستایی طی سالهای اخیر نسبت به سالهای گذشته موفق بوده است. اطلاعات مربوط به بخش مدیریتی روستاها در جدول زیر به شرح ذیل می‌باشد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: تعداد آبادی‌های دارای سکنه برحسب امکانات سیاسی و اداری

شرح	شورای اسلامی روستا	دهیار	پاسگاه نیروی انتظامی	مرکز خدمات جهاد کشاورزی	مروج کشاورزی	شورای حل اختلاف	شرکت تعاونی روستایی
۱۳۸۵	۱۰۷	۵۸	۲	۸	۶	۲۱	۵۳
۱۳۹۴	۱۱۱	۹۰	۲	۸	۹	۲۹	۳۹

Source: Statical calendar, 2007-2016

با توجه به جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، در سال ۹۴ در مقایسه با سال ۸۵ تعداد روستاهایی که دارای شورا، دهیار و سایر امکانات سیاسی و اداری هستند؛ افزایش پیدا کرده است.

میزان توجه برنامه پنجم به بخش مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی در مقایسه با سایر برنامه‌های توسعه، از طریق گویه‌های بعد نهادی - مدیریتی روستایی مطابق با جدول مورد بررسی قرار گرفته و همچنین دارای توزیع غیر نرمال است، لذا از آزمون ناپارامتری T یک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده شده است (جدول ۱۱).

جدول ۱۱: گویه‌های بعد نهادی - مدیریتی روستایی

ردیف	گویه	۱	۲	۳	۴	۵	تعداد	درصد
۱	میزان توجه به محرومیت زدایی و توسعه روستایی	مجموع	۱۹۸	۱۵	۲۸	۹۳	۵۲	۱۰
		میانگین	۱۰۰	۷/۵	۱۴/۱	۴۶/۹	۲۶/۲	۵
۲	میزان توجه به مدیریت و توسعه روستایی برنامه پنجم	مجموع	۲۲۱	۴	۲۲	۱۳۸	۵۲	۵
		میانگین	۱۰۰	۱/۸	۹/۹	۶۲/۴	۲۳/۵	۲/۲
۳	اثرات تخصیص اعتبارات محرومیت زدایی در جهت کاهش مهاجرت	مجموع	۱۹۹	۱۰	۴۲	۹۰	۵۲	۵
		میانگین	۱۰۰	۵	۲۱/۱	۴۵/۲	۲۶/۱	۲/۵
۴	جمع	مجموع	۶۱۸	۲۹	۹۲	۳۲۱	۱۵۶	۲۰
		میانگین	۱۰۰	۴/۶	۱۴/۸	۵۱/۹	۲۵/۲	۳/۲

Source: Resesrch Finding, 2016

با توجه به میانگین‌ها، در تمامی گویه‌ها؛ دیدگاه کارشناسان در زمینه میزان توجه به بعد نهادی - مدیریتی روستایی در برنامه پنجم در مقایسه با سایر برنامه‌ها، در حد متوسط بوده است. البته در مورد گویه دوم، میزان توجه به

مدیریت و توسعه روستایی برنامه پنجم، با میانگین حدود ۲/۹ درصد بیشترین مقدار را به خودش اختصاص داده است.

حال اگر فرض شود که:

در برنامه پنجم توسعه، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی در مقایسه با سایر برنامه‌های توسعه بیشتر مورد توجه قرار نگرفته است = H_0

در برنامه پنجم توسعه، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی در مقایسه با سایر برنامه‌های توسعه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است = H_1

جدول ۱۲: آزمون T تک نمونه‌ای، میزان توجه برنامه پنجم به بخش مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی در مقایسه با سایر برنامه‌های توسعه

تی تست تک نمونه‌ای					
آمار آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	کرن پایین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای اختلافات میانگین‌ها
t				کرن بالا	
۲۲/۴۸۵	۴	۰/۰۰۰۱	۲/۲۸۳	۲/۰۸۱	۲/۴۸۶

Source: Resesrch Finding, 2016

همانطور که از نتایج جدول ۱۲ ملاحظه می‌گردد، با سطح اطمینان ۹۵ درصد و مقدار آزمون ۲۲/۴۸۵ که بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشد وجود تأثیر مثبت را تأیید می‌کند. همچنین برای این آزمون سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰۱ شده و از خطای ۰/۰۵ کوچکتر است نشان می‌دهد که در برنامه پنجم توسعه، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی در مقایسه با سایر برنامه‌های توسعه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و فرضیه تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری

قرن بیست و یکم در شرایطی آغاز شده که هنوز برنامه‌های توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه با مسائل و مشکلات متعددی مواجه است. همچنین در کشور ما، که بیش از شش دهه از برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه می‌گذرد؛ هنوز مشکلات روستا و روستایی در ابعاد زیست محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی پا برجاست. در واقع وجود مشکلاتی چون آسیب‌پذیری شدید محیط‌های روستایی از پدیده‌های طبیعی و غیر طبیعی (انسانی، فناوری و مدیریتی) و برنامه‌ریزی در حوزه‌های اقتصادی (پای نبودن سطح درآمد، کمبود فرصت‌های شغلی، غیراقتصادی بودن فعالیت‌های تولیدی، نبود انگیزه و منابع برای سرمایه‌گذاری و...) و اجتماعی (مهاجرت سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، اختلاف میان کیفیت زندگی در شهر و روستا، کم‌رنگ شدن هویت روستایی و بومی و عدم تمایل جوانان به ابراز هویت روستایی و...) در چند دهه و تشدید آنها، گویای آسیب‌پذیری و آسیب‌دیدگی روستا و روستاییان است. اگر بپذیریم که خصیصه‌ی بارز مناطق روستایی پیچیدگی آنهاست، به نحوی که هر روستا یک پروژه محسوب می‌شود، آنگاه نیاز عمیق به شناخت افزون‌تر آنها به منظور اتخاذ تصمیمات خردمندانه آشکار می‌گردد چنین است که تهیه‌ی اسناد مدیریتی در توسعه روستائی، گامی بسیار برجسته تلقی می‌شود. نقد و ارزیابی ساختاری برنامه‌های توسعه‌ی روستایی کشور، یکی از روش‌های علمی شناخته شده است تا بدین وسیله اندیشه روش و مدیریت برنامه‌ریزی توسعه‌ی پایدار روستایی را در فرآیند برنامه‌ها نمایان کند؛ بنابراین لزوم بازنگری عملکرد گذشته و راه پیموده شده برای تعیین مسیر آینده ضروری است و باید برای آنها راه‌حل‌های مناسب

جستجو کرد. فرضیه تحقیق حاضر، به وسیله‌گویی‌های (مدیریت روستایی، مشارکت مردمی، ارتقاء سطح رفاه روستاییان و تخصیص اعتبارات در جهت محرومیت زدایی) مورد سنجش و آزمون قرار گرفته که با توجه به میانگین‌های محاسبه شده و همچنین سطح معنی‌داری آزمون رد شدن فرض صفر، به این معنی است که سیاست‌های بخش مدیریت روستایی برنامه پنجم در مقایسه با سایر برنامه‌ها مؤثرتر بوده است و در نتیجه فرضیه مورد تأیید واقع شده است. در مورد سیاست‌های نهادی توسعه روستایی از جمله مدیریت روستایی، بر طبق آمار بدست آمده از بخش‌داری بخش مرکزی شهرستان قائمشهر؛ تعداد روستاهای بخش مرکزی قائمشهر را ۱۱۷ روستا می‌باشد و از ظرفیت بالایی در بخش‌های کشاورزی، صنعتی، تولیدی و گردشگری برخوردار است. از این تعداد روستاها ۹۰ دهیاری در بخش مرکزی قائمشهر وجود دارد و ۲۷ روستای این بخش نیز فاقد دهیاری است. بر اساس این آمار تقریباً ۸۰ درصد از روستاهای شهرستان قائمشهر دارای مدیریت محلی اعم از شورا یا دهیار می‌باشند. در زمینه‌ی مدیریت روستایی اعتبارات دولتی به تنهایی برای عمران روستاها کافی نیست و بخشی از بودجه‌ها باید از طریق زکات و مشارکت‌های مردمی تأمین شود در واقع می‌توان گفت بعد نهادی- مدیریتی در بخش روستایی در برنامه‌های توسعه بعد انقلاب روند مثبتی را دنبال نموده است.

با توجه به مطالب فوق با هدف افزایش کارآمدی مدیریت روستایی و نوجه و تاکید بیشتر بر بعد نهادی- مدیریتی توسعه پایدار روستایی پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

سیاست‌گذاری در جهت احیاء و ترویج اصول و ارکان و روش‌های مدیریت بومی روستائی در بین روستائیان داوطلب مشارکتهای اجتماعی در روستاها، با استفاده از مکتب آموزشی ترویج در مراکز ترویج و خدمات کشاورزی در روستاها.

- مشارکت و همکاری مردم جهت انجام و اداره امور روستا از طریق مشورت با آنان و بهره‌گیری از تجربه‌های فرهنگی و سنت‌های شایسته روستایی تا دهیاری‌ها ماهیتی مشارکتی داشته و از مدل‌های بروکراتیک فاصله بگیرند.
- ضرورت برنامه‌ریزی با مردم به جای برنامه‌ریزی برای مردم و بخشیدن صورت عملی‌تر و واقعی‌تر به برنامه‌های اجرایی در سطح روستاها، بهتر است که در روستاهایی که طرح‌های آنها نوشته نشده است قبل از هر عملی از نظر وسیله مستقیم روستاییان به منظور رضایتمندی آنها از طرح‌ها، بهره جسته شود.
- یکی از چالش‌های اساسی پیش روی مدیران محلی روستاییان نداشتن منابع مالی پایدار و کافی جهت ارائه خدمات و افزایش قدرت مانور آنها در زمینه رفع مشکلات موجود در روستاها علی‌الخصوص در بخش کالبدی و فیزیکی روستاهاست لذا دهیاری‌ها به رغم تلاش‌های وافر جهت جذب حداکثر منابع مالی متاسفانه شاید به دلیل وجود روابط کم و بیش فامیلی موجود در روستاها و انتظارات مردم از دهیار در بحث تخفیف و بخش عوارض حاصل از ساخت و سازها و نیز به دلیل گردش ضعیف پول و ثروت در روستاها شاید آنچنان که باید و انتظار می‌رود موفق نباشند که این امر توجه بیشتر وزارت کشور به منظور تأمین اعتبار و بودجه مورد نیاز برای توسعه همه جانبه روستا را می‌طلبد.
- از آنجاییکه روستاهای کوچک و پراکنده به دلیل عدم برخورداری از شرایط تأسیس دهیاری از جمله نداشتن نصاب جمعیتی لازم از فواید حاصل از وجود مدیریت نوین (دهیاری) محروم هستند، لذا ساماندهی آنها در قالب برخورداری از خدمات دهیاری روستاهای همجوار و تخصیص اعتبارات کافی به آنها و ملزم نمودن دهیاری‌های

مربوطه به خدمات رسانی به آبادی‌های کوچکتر تحت عنوان روستای قمر می‌تواند تا حدودی جلوی مهاجرت و تخلیه روستاها و نهایتاً خالی از سکنه شدن آنها را گرفته و توسعه را حتی برای سکونتگاه‌های کوچک روستایی به ارمغان آورد.

• استفاده از نظر مدیریت محلی روستایی در تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی به دلیل آشنایی کامل آنها با روستا و اهمیت دادن به نظر آنها در بحث جانمایی کاربری‌ها به منظور حفظ اراضی و جلوگیری از تغییر کاربری‌ها و دگرگونی شکل کلی روستا.

• دهیاران به عنوان مدیران روستاها و بازوی اجرایی دولت در سطح روستاها محسوب گردیده و کلیه امور مرتبط با روستا از سوی شخص دهیار مورد پیگیری قرار می‌گیرد. با این توضیحات گستره و سنگینی حیطه مسئولیت و فعالیت دهیاران بر کسی پوشیده نیست اما این قشر فعال و زحمتکش به دلیل عدم آگاهی از وضعیت و آینده شغلی خود و در واقع به دلیل عدم برخورداری از امنیت شغلی و با دغدغه اینکه هر لحظه عذرشان می‌تواند از سوی شورا خسته شده و مورد استیضاح و نهایتاً اخراج گردند از انگیزه کافی و وافی برای ادامه فعالیت برخوردار نبوده و این امر باعث تغییر پی در پی دهیار و عدم آشنایی دهیار جدید با نحوه مدیریت روستا و در نهایت ایجاد وقفه و چلش در روند توسعه را فراهم می‌نماید که این امر توجه و تدابیر ویژه قانون‌گذار و مسئولین مربوطه را طالب است.

سپاسگزاری

این پژوهش از طریق پژوهانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت به شماره ۴/۵۸۳۰ تأمین اعتبار شده است.

References

- Afrakhteh, H. (2009). *Rural management with an emphasis on Iran*. Tehran: Ganj-e-honar press.
- Badry, S. A., & Mousavy, S. A. (2009). *New rural management, in search of a suitable way to develop village administrate*. Tehran: Eshtiagh-e Nour Cultural Press.
- Chambers, R. (1983). *Rural development: Putting the last first*. New York: Longman.
- Chowdhary, K. (1971). *Understanding organizational behavior: Cases and concepts*, Kakar, Sudhir ed., Tata McGraw-Hill Publishing Company.
- Eftekhary, A., Sajasy, G. R., & H., & Einaly, J. (2007). *A new approach to rural management with an emphasis on effective institutions, Quarterly Journal of the Village and Development, Ministry of Agriculture, Agricultural Research and education Organization, The center of research and rural evaluation issues, 10(2)*. Tehran.
- Hashemy, S. S., et.al. (2011). *Clarifying the role of village administrators and Islamic Councils in the development of rural entrepreneurship (The Case Study, Bahabad Town of Yazd Province)*. Tehran: Rural Study Press.
- Imani, J. H., & Pourrajab, P. (2010). Measuring and analyzing the characteristics of village administrators' entrepreneurship with an emphasis on the factors affecting it, (Case Study: Village Administrators of Miandoab Town), *Rural Research Quarterly, 1(1)*.
- Jom'ehpor, M. (2008). *An introduction to the rural development planning: Perspectives and Methods*. Tehran: Samt Press.
- Karamynasab., S. (2012). *Study and evaluation of the performance of village administrators in structural-spatial development of rural settlements, (The Case Study, Kordian Region of Jahrom Town)*, M.A. thesis of Geography and rural planning, Tehran: Kharazmy University.
- KouchakianFard, H. (2007). Processing challenges in Islamic Council of the village and village administrator. *Monthly Magazine of Village Administrator, 21*.
- Mahdavy, M. (1998). *An introduction to the rural geography in Iran*. Tehran: Samt Press.

- Mahdavy, M., & Najafy, K., A. A. (2005). *Village administrator, other experiences in Iran village's management, (The Case Study: Village Administrators of West Azerbaijan)*, 37(53), Tehran: Geographic Research Press.
- Mirzaei, T., M., & H., & Ghafvat. N. (2012). *To evaluate the role of participation in rural development plans* Tehran: Rural Development Press.
- Mo'arefy, F. (2002). *The structural model for rural development system-based management based on 3rd socio-cultural, economic development program*, M.A. thesis, Tehran: TarbiatModarres University.
- Molaei, H., N. (2008), *Management of rural and nomadic development planning in Iran, (Challenges and solutions)*, National Congress of Geography and Twenty-First Century, Najaf Abad: Islamic Azad University, May.
- Palabiyik, H., & Yavas, H. (2006). *Legislative Reforms on Local Governments in Turkey Still Going on: Participatory Perspectives in the Municipal Act of 2005 Numbered 5393*:Turish weekly.
- Papoly Y. M. H., & Ebrahimi, M.A (2012). *Rural development theory*. Tehran: Samt Press.
- Perez-F., M. (2012). *Representativeness and civic participation in rural development program in Galicia. Spain*, 41(3).
- Rezaeian, A. (2004). *Management principles*, Tehran: Samt Press.
- Rezvany, M. R. (2011). *An introduction to the rural development planning of Iran*. Tehran: Ghomes Press.
- Sanjaby, K. (1963). *Administrative law in Iran, by the efforts of Farbod*. Tehran: Zohreh Press.
- Summer, J. (2001), *Challenges to sustainability: The impacts of corporate of globalization on rural communities, Rural extension studies*, University of Guelph.
- Afrakhteh, H. (2009). *Rural management with an emphasis on Iran*. Tehran: Ganj-e-honar press.
- Badry, S. A., & Mousavy, S. A. (2009). *New rural management, in search of a suitable way to develop village administrate*. Tehran: Eshtiagh-e Nour Cultural Press.
- Chambers, R. (1983). *Rural development: Putting the last first*. New York: Longman.
- Chowdhary, K. (1971). *Understanding organizational behavior: Cases and concepts*, Kakar, Sudhir ed., Tata McGraw-Hill Publishing Company.
- Eftekhary, A., Sajasy, G. R., & H., & Einaly, J. (2007). *A new approach to rural management with an emphasis on effective institutions, Quarterly Journal of the Village and Development, Ministry of Agriculture, Agricultural Research and education Organization, The center of research and rural evaluation issues*, 10(2). Tehran.
- Hashemy, S. S., et.al. (2011). *Clarifying the role of village administrators and Islamic Councils in the development of rural entrepreneurship (The Case Study, Bahabad Town of Yazd Province)*. Tehran: Rural Study Press.
- Imani, J. H., & Pourrajab, P. (2010). *Measuring and analyzing the characteristics of village administrators' entrepreneurship with an emphasis on the factors affecting it, (Case Study: Village Administrators of Miandoab Town)*, *Rural Research Quarterly*, 1(1).
- Jom'ehpor, M. (2008). *An introduction to the rural development planning: Perspectives and Methods*. Tehran: Samt Press.
- Karamynasab., S. (2012). *Study and evaluation of the performance of village administrators in structural-spatial development of rural settlements, (The Case Study, Kordian Region of Jahrom Town)*, M.A. thesis of Geography and rural planning, Tehran: Kharazmy University.
- KouchakianFard, H. (2007). *Processing challenges in Islamic Council of the village and village administrator. Monthly Magazine of Village Administrator*, 21.
- Mahdavy, M. (1998). *An introduction to the rural geography in Iran*. Tehran: Samt Press.
- Mahdavy, M., & Najafy, K., A. A. (2005). *Village administrator, other experiences in Iran village's management, (The Case Study: Village Administrators of West Azerbaijan)*, 37(53), Tehran: Geographic Research Press.
- Mirzaei, T., M., & H., & Ghafvat. N. (2012). *To evaluate the role of participation in rural development plans* Tehran: Rural Development Press.

- Mo'arefy, F. (2002). *The structural model for rural development system-based management based on 3rd socio-cultural, economic development program*, M.A. thesis, Tehran: Tarbiat Modarres University.
- Molaei, H., N. (2008), *Management of rural and nomadic development planning in Iran, (Challenges and solutions)*, National Congress of Geography and Twenty-First Century, Najaf Abad: Islamic Azad University, May.
- Palabiyik, H., & Yavas, H. (2006). *Legislative Reforms on Local Governments in Turkey Still Going on: Participatory Perspectives in the Municipal Act of 2005 Numbered 5393*: Turkish weekly.
- Papoly Y. M. H., & Ebrahimi, M.A (2012). *Rural development theory*. Tehran: Samt Press.
- Perez-F., M. (2012). *Representativeness and civic participation in rural development program in Galicia. Spain, 41(3)*.
- Rezaeian, A. (2004). *Management principles*, Tehran: Samt Press.
- Rezvany, M. R. (2011). *An introduction to the rural development planning of Iran*. Tehran: Ghomes Press.
- Sanjaby, K. (1963). *Administrative law in Iran, by the efforts of Farbod*. Tehran: Zohreh Press.
- Summer, J. (2001), *Challenges to sustainability: The impacts of corporate of globalization on rural communities, Rural extension studies*, University of Guelph.

